موضوع پژوهش (2)

پيامبر اعظم (ص)، محور وحدت

جواد محدّثى‏

شخصيت عظيم حضرت رسول (ص)، از ابعاد مختلف قابل توجه و تأمّل است. كلمات نورانى آن حضرت و سيره درس‏آموز آن بزرگوار نيز، از جهات مختلف براى نسل امروز و جامعه كنونى، الگوست. جايگاهى هم كه آن رسول عزيز در ميان امت داشت و تحولاتى كه در مردم آن روزگار و افكار و زندگى ايشان پديد آورد، در خور تأمّل است.

در اين پژوهش، به يكى از ابعاد شخصيتى او؛ يعنى محوريّت رسول خدا (ص) براى وحدت امت اسلامى مى‏پردازيم و نمونه‏هايى از عمل‏كرد او را در اين زمينه شاهد مى‏آوريم و به برخى از توصيه‏هاى وحدت بخش پيامبر نيز اشاراتى خواهيم داشت.

جامعه متشتّت جاهلى

براى شناختِ تلاش و تأثير وحدت آفرين پيامبر در جامعه انسانى آن روز، توجه به اوضاع پيش از بعثت، ضرورى است. مردم در آن روزگار، بى آن‏كه محورى براى وحدت داشته باشند، دچار تفرقه، دشمنى، صف‏آرايى‏هاى جاهلانه، كينه‏هاى درازمدت و خصومت‏ها و مجادلات فرساينده بودند.

قرآن كريم بعثتِ وحدت بخش پيامبر و ايجاد روح اخوّت ميان مردم را يك موهبت و نعمت الهى ياد مى‏كند و مى‏فرمايد: «و اذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداءاً فالّف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا؛(1) نعمت خدا را بر خودتان ياد كنيد، آن‏گاه كه دشمن هم بوديد. او ميان دل‏هاى شما الفت ايجاد كرد و با نعمت او با يك‏ديگر برادر شديد.»

اميرالمؤمنين (ع) در مقام شاهد صادق آن دوران، در خطبه‏هاى متعددى به تشريح شرايط اسفبار جاهليت و جهان آن روز و بركات وجودى پيامبر خدا (ص) مى‏پردازد و در فرازى تفرقه‏ها و منازعات آن دوران را بيان مى‏كند و مى‏فرمايد: «و اهل الأرض يومئذ ملل متفرّقة و اهواء منتشرة و طرائق متشتّتة؛(2) مردم روى زمين آن روز، آيين‏هاى پراكنده، خواسته‏هاى ناهم‏گون و راه و روش‏هاى متشتّت و از هم گسيخته داشتند.»

در جاى ديگر مى‏فرمايد: شما ملت عرب، آن روز بدترين آيين و بدترين ديار را داشتيد، خون‏هاى خود را مى‏ريختيد، پيوندهاى خانوادگى را مى‏گسستيد و بت‏پرست بوديد.(3) و در سخنى ديگر مى‏فرمايد: خداوند، پيامبرش را در شرايطى بر انگيخت كه مردم دچار فتنه‏هاى بسيار بودند، رشته‏هاى آيين گسسته بود، ستون‏هاى باور و يقين متزلزل بود، اساس دين مختلف شده و كار و احكام آيين، در هم و بر هم شده بود و راه خروج از آن ظلمتِ فراگير دشوار گشته بود... .(4)

رفتار رسول خدا (ص) پيش از بعثت نيز بر پايه نفى جدال‏ها و ايجاد الفت بود و هوش‏مندانه به ايجاد وحدت در ميان مردم مى‏پرداخت. شهيد مطهرى وقتى از داستان معروفِ نصب حجرالأسود در جاى خود و روش پيامبر خدا (ص) در جلوگيرى از خون‏ريزى ياد مى‏كند، آن را از دقايقى مى‏شمارد كه نشان دهنده عقل و فطانت حضرت محمد (ص) است، مى‏نويسد: «وقتى خانه خدا را خراب كردند (ديوارهاى آن را برداشتند) تا دو مرتبه بسازند، حجرالأسود را نيز برداشتند. هنگامى كه مى‏خواستند دو مرتبه آن را نصب كنند، اين قبيله مى‏گفت: من بايد نصب كنم، آن قبيله مى‏گفت: من بايد نصب كنم و عن‏قريب بود كه زد و خورد شديدى روى دهد. پيغمبر اكرم (ص) آمد قضيه را به شكل ساده‏اى حل كرد.»(5)

مى‏دانيم كه به دستور آن حضرت، پارچه و گليمى آوردند، سنگ را در وسط آن گذاشت و به همه سران قبايل فرمود تا از اطراف آن بگيرند و پاى ديوار كعبه آورند و خودش سنگ را درجاى قبلى نصب كرد و بدين وسيله همه را در موضوع نصب حجرالأسود و افتخار آن، شريك ساخت و جلوى درگيرى را گرفت.

پيام‏آور وحدت‏

اساس دعوت پيامبر، ايمان به خداى يكتا (توحيد) به جاى بت‏هاى متعدد بود. در اين آيين، همه مردم بنده يك خدا به شمار مى‏آيند و از يك پدر و مادرند و اين نگاه مى‏تواند الفت‏بخش جامعه باشد. هم وحدتِ فكرى و اعتقادى، هم وحدت اجتماعى و سياسى و هم هم‏بستگى اخلاقى و روحى، از دست‏آوردهاى تعاليم نبوى بود. در سخنان آن حضرت مى‏خوانيم: «ايها الناس! انّ ربّكم واحد و انّ اباكم واحد، كلّكم لآدم و آدم من تراب؛(6) اى مردم! پروردگار همه شما يكى است، پدر همه شما يكى است، همه شما از آدميد و آدم از خاك است.»

اين همان پيامى است كه در آيات قرآن نيز به صورت‏هاى مختلف آمده است؛ از جمله در اين آيه شريفه: «يا ايّها الناس انّا خلقناكم شعوباً و قبائل لتعارفوا انّ اكرمكم عند الله اتقيكم؛(7) اى مردم! ما همه شما را از يك مرد و زن آفريديم و شما را ملت‏ها و قبايل مختلف قرار داديم تا يك‏ديگر را بشناسيد، همانا گرامى‏ترين شما نزد خداوند، پرهيزكارترين شماست.»

اخلاق نبوى‏

آن‏چه مردم پراكنده آن دوران را بر محور پيامبر اعظم (ص) گرد آورد و الفت داد، نرمش و مدارا و اخلاق نيكوى آن حضرت بود. قرآن مى‏فرمايد: «فبما رحمة من اللّه لنت لهم و لو كنت فظّاً غليظ القلب لا نفضّوا من حولك؛(8) به سبب رحمت الهى بود كه بر مردم نرم گشتى و اگر خشن و سنگ‏دل بودى از دور تو پراكنده مى‏شدند». وى مى‏كوشيد در سخنان خويش نيز اين نكته را مراعات كند و از امورى كه موجب مى‏شد آنان دچار تفرقه و اختلاف شوند پرهيز مى‏كرد.

رفتار نبوى‏

در سيره آن حضرت آمده است: «كان رسول اللّه... يؤلّفهم و لا يفرّقهم، و يكرم كريم كلّ قوم و يولّيه عليهم؛(9) رسول خدا (ص) ميان مردم الفت ايجاد مى‏كرد و آنان را متفرق نمى‏ساخت. بزرگِ هر قومى را احترام مى‏كرد و همو را به رياستِ آنان مى‏گماشت.»

مى‏دانيم كه احترام به بزرگِ هر گروه و استفاده از نفوذ و موقعيت او نقش مؤثرى در وحدت دل‏ها و انسجام جامعه دارد و اين از نشانه‏هاى مديريت قوى پيامبر است كه با اين روش، هم‏بستگى قبايل را حفظ مى‏كرد و در مسير اهداف اسلام قرار مى‏داد.

قرآن كريم نيز براى ايجاد وحدت در جامعه و پيش‏گيرى از نزاع‏ها، وجود پيامبر اكرم (ص) و گردن نهادن به ولايت و رهبرى و داورى و حكم او را مورد تأكيد قرار مى‏دهد و ايشان را فصل الخطاب نزاع‏ها معرفى مى‏كند: «فان تنازعتم فى شى‏ء فردّوه الى اللّه و الرّسول؛(10) اگر در چيزى نزاع داشتيد، آن را به خدا و رسول برگردانيد.»

و در آيه‏اى ديگر، همگان را به وحدت و هم‏بستگى فرا مى‏خواند و از تشتّت و نزاع نهى مى‏كند.(11)

ايجاد امت واحده‏

غير از اخلاق فردى و برخوردهاى شخصى پيامبر اعظم (ص) كه بر مبناى دوستى و وفاق بود، زمانى كه رسماً حاكميت اسلامى را بر عهده داشت، نيز سعى مى‏كرد برنامه‏هايش وحدت آفرين باشد. اصولاً تعاليم آن حضرت، بر اين مبنا استوار بود و همه را همچون دندانه‏هاى شانه يك‏سان مى‏ديد و مى‏فرمود: «الناس سواء كأسنان المشط».(12) به تعبير شهيد مطهرى: «آيا درباره مساوات افراد بنى آدم، سخنى از اين بالاتر مى‏توان گفت؟ در آن محيط و در آن زمان، انسانى اين چنين درباره مساوات انسان‏ها سخن مى‏گويد كه بعد از هزار و چهار صد سال، هنوز كسى به اين خوبى سخن نگفته است.»(13)

عقد اخوّت‏

پس از هجرت، پيامبر خدا براى ايجاد وحدت، ميان مسلمانان «عقد اخوّت» ايجاد كرد و همه را به برادرى فرا خواند و اين، تحقق بخشيدن به آيه قرآن است كه فرمود: «انّما المؤمنون اخوة».(14)

اين پيمان برادرى، مرحله‏اى نو و تأكيدى بر اخوّت پيشين بود. يك بار در مكه و در آستانه هجرت، براى آن‏كه مسلمانان انسجام و پيوند بيشترى داشته باشند و همدلانه سختى‏هاى آينده را مشتركاً بر دوش بكشند، ميان مهاجران عقد اخوّت بست.(15) يك بار هم پس از هجرت، ميان همه مسلمانان، چه مهاجران و چه انصار، با جمله «تآخوا فى الله اخوين اخوين»(16) دستور داد هر مهاجرى با يكى از انصار، دو به دو برادر شوند و پيمان برادرى بندند. تنها استثنايى كه بود، پيمان برادرى ميان خودش و على بن ابى طالب (ع) بود كه هر دو مهاجر بودند.

در ادامه اين برنامه، همه را موظف فرمود كه حقوق برادرى را نسبت به هم مراعات كنند، يك‏ديگر را پشتيبان و ياور باشند، آن‏چه براى خود مى‏خواهند براى ديگران هم بخواهند و هرگز برادر مسلمان خود را در سختى‏ها و مهلكه‏ها تنها و بى‏پناه نگذارند.(17) به تعبير مولانا:

مؤمنان معدود، ليك ايمان يكى‏

جسمشان معدود، ليكن جان يكى‏

جان گرگان و سگان هر يك جداست‏

متّحد، جان‏هاى شيران خداست‏

وقتى به جوامع بشرى نگاه مى‏كنيم، عوامل جدايى و مرزبندى، يا زبان است، يا رنگ، يا نژاد، يا قوم و قبيله، يا فقر و ثروت و طبقات اجتماعى، يا بردگى و آزادى، يا شرقى و غربى بودن و يا مرزهاى جغرافيايى و سرزمين و خاك، اما در نگاه پيامبر، هيچ يك از اينها مرز جدايى نيست؛ همه از هر جا كه باشند، به هر زبان و متعلّق به هر نژاد و قوميّت كه باشند، چون خداباورند و مسلمان، برادرند و متّحد. همه در سرزمين «توحيد»، هم‏وطن يك‏ديگرند و وطنشان معنوى است، نه خاكى و زمينى.

اين وطن، مصر و عراق و شام نيست‏

اين وطن جايى است كان را نام نيست‏

رسول خدا (ص) جنگ ديرين دو قبيله «اوس» و «خزرج» را كه حدود دويست سال ريشه و ادامه داشت، به بركت همين اخوّت دينى پايان داد. مولانا در مثنوى چنين مى‏سرايد:

دو قبيله كاوس و خزرج نام داشت

يك زديگر جام خون آشام داشت‏

كينه‏هاى كهنه‏شان از مصطفى‏

محو شد در نور اسلام و صفا

اوّلاً اخوان شدند آن دشمنان‏

همچو اعداد عنب در بوستان‏

وز دمِ «المؤمنون اخوه» به پند

در شكستند و تن واحد شدند

آفرين بر عشق پاك او ستاد

صد هزاران ذره را داد اتحاد

نمونه ديگر از وحدت‏آفرينى پيامبر، منعقد ساختن پيمان دفاعى مسلمانان با يهوديان يثرب در برابر تهاجم‏هاى بيرونى بود. در بند نخست اين قرارداد تاريخى آمده است: «امضا كنندگان پيمان، ملت واحدى را تشكيل مى‏دهند...». در بندهاى ديگر، از «دفاع مشترك از يثرب»، «هم‏بستگى همه مسلمانان»، «اتحاد در برابر هر سركش طغيان‏گر» و... سخن به ميان آمده است.(18)

بر اساس آن توافق‏نامه، در ابتداى كار هم‏زيستى مسالمت‏آميزى ميان مسلمانان، يهود و نصارى در مدينه وجود داشت و مشاركت عمومى در همه امور و معاونت و حمايت در جنگ‏ها و برنامه‏هاى عام با همكارى همگان صورت مى‏گرفت. تا آن‏كه يهوديان به كارشكنى و توطئه پرداختند و آن انسجام را گسستند.

امروز نيز، وحدت مسلمانان با الهام از سيره پيامبر و آيات قرآن، سدّى استوار در برابر دشمنان اسلام پديد آورده است. اميد است كه با توجه به محوريّت حضرت رسول (ص) براى وحدت امت اسلامى. صفوف پيروان قبله هر چه بيشتر منسجم گردد و خواب شوم دشمنان براى رخنه در پيكر «امت واحده»، هرگز تعبير نشود.

نيست از روم و عرب پيوند ما

نيست پابند نسب پيوند ما

دل به محبوب حجازى بسته‏ايم‏

زين جهت با يك‏دگر پيوسته‏ايم(19)

در زمينه محوريّت حضرت رسول (ص) براى وحدت و هم‏بستگى، موضوعات ديگرى نيز براى پژوهش وجود دارد كه آن را بر عهده شما پژوهش‏گران عزيز مى‏گذاريم.

محورهاى پژوهش‏

لطفاً فقط يكى از محورهاى زير را انتخاب كرده و درباره آن مقاله بنويسيد.

1 . تأثير اخلاق و رفتار پيامبر (ص) در وحدت آفرينى.

2 . توصيه‏هاى رسول خدا (ص) به حفظ وحدت در جامعه اسلامى.

3 . تأثير شخصيت حضرت رسول (ص) در ايجاد وحدت مسلمانان در جهان معاصر.

4 . توطئه‏هاى موذيانه دشمنان براى ايجاد تفرقه، از راه توهين به شخصيت پيامبر اعظم (ص).

5 . شخصيت وحدت آفرين پيامبر (ص) در آثار شهيد مطهرى.

منابع پژوهش‏

1 . شهيد مطهرى، سيرى در سيره نبوى.

2 . مصطفى دلشاد تهرانى، سيره نبوى.

3 . نهج الفصاحه، سخنان پيامبر اعظم (ص).

4 . علامه طباطبائى، سنن النبى (با ترجمه)، سيره رفتارى پيامبر.

5 . محمدرضا هدايت‏پناه، حديث برادرى در سيره نبوى.

6 . سيدرضا حسينى‏نسب، در طريق وحدت اسلامى.

7 . آواى وحدت، گزيده سخنرانى‏هاى كنفرانس وحدت اسلامى.

8 . جعفر سبحانى، وحدت مسلمين، مقالات كنگره جهانى ائمه جمعه و جماعت.

9 . جعفر سبحانى، فروغ ابديت.

لطفاً قبل از تدوين مقاله، نكته‏هاى زير را به دقت مطالعه فرماييد:

1 . براى علاقه‏مندان به تحقيق و مقاله‏نويسى، دو موضوع پژوهش در نظر گرفته شده است كه شما مى‏توانيد با توجه به استعداد، فرصت و توان علمى خويش، يكى از آنها را به اختيار انتخاب كرده و مقاله بنويسيد.

2 . تهيه و ارسال منابع معرفى شده، در توان ما نيست. شما مى‏توانيد با مراجعه به كتاب‏خانه‏ها، دوستان و...، منابع مزبور و يا كتاب‏هاى مناسب ديگرى را تهيه كنيد.

3 . لطفاً مقاله‏هاى خود را با خط خوانا و حتماً بر روى يك طرف كاغذ بنويسيد.

4 . براى سهولت در ارزيابى مقاله، پاورقى‏هاى هر صفحه را در پايين همان صفحه يادداشت نماييد.

5 . در صورتى كه نوشته ارسالى صرفاً رونويسى از منابع باشد، امتيازى نخواهد داشت.

6 . مقاله‏هايى كه خارج از موضوعات پيشنهادى مجله باشد، در مسابقه شركت داده نمى‏شود.

7 . مطالب اقتباس شده از ديگران را حتماً با مشخصات كامل بياوريد، در غير اين صورت از امتياز مقاله كاسته خواهد شد.

مراحل و نحوه تدوين پژوهش‏

1 . ابتدا منابع معرفى شده يا منابع ديگر را مطالعه كرده و مطالب مورد نياز را در برگه‏هاى جداگانه يادداشت كنيد (فيش بردارى).

2 . آن‏گاه يادداشت‏ها را با توجه به اصول نگارش مقاله، رده‏بندى و تنظيم نماييد.

3 . سپس مطالب آماده شده را تكميل كنيد. تجزيه و تحليل، استدلال، نقد و پرورش مطالب در اين قسمت انجام مى‏شود.

4 . پس از تكميل مطالب، آنها را به صورت يك نوشته منسجم درآوريد. دقت كنيد هر بحثى بايد در جاى‏گاه مخصوص خود قرار گيرد.

5 . نوشته تنظيم شده را چندين بار مطالعه و بازنگرى كرده و خطاهاى نگارشى احتمالى را برطرف و سپس آن را پاك‏نويس كنيد.

رديف معيارهاى ارزيابى پژوهش امتياز

1 عنوان بندى دقيق بحث با ترتيبى منطقى 2

2 تمركز در موضوع بحث و منحرف نشدن از آن 1

3 بيان مستدل و علمى مطالب 1

4 تجزيه و تحليل علمى و پرورش معانى 1

5 بهره‏گيرى از حكمت و داستان، شعر، مثال و... 1

6 توازن حجم مطالب در محورهاى مختلف بحث 1

7 مطابق با واقع بودن مطالب و دقت در ارائه صحيح آنها 1

8 استفاده به جا از آيات و احاديث و صحيح نوشتن آنها 1

9 سادگى و روانى قلم 1

10 تناسب سبك نوشتارى مقاله با موضوع 1

11 رعايت عفت قلم و ادب اسلامى و پرهيز از عبارات زايد و نادرست 1

12 نوآورى در ارائه مطالب و شيوه نگارش 1

13 بهره‏گيرى از منابع معتبر، ذكر آدرس دقيق مطالب و نقل قول‏ها 1

14 استفاده از معلومات شخصى در تدوين مقاله 2

15 رعايت اصول نگارش، علائم سجاوندى و تنظيم فنى پاورقى‏ها 1

16 در حد يك مقاله بودن (حداقل پنج صفحه A4) 1

17 نوشتن بر يك طرف كاغذ، رعايت فاصله بين سطرها و خوانا بودن 1

18 نتيجه‏گيرى از بحث 1

\* جمع كل 20

پي نوشت ها:

1) آل عمران (3) آيه 103.

2) نهج البلاغه،خطبه 1.

3) همان، خطبه 26.

4) همان، خطبه 2.

5) مرتضى مطهرى، سيرى در سيره نبوى، ص 271.

6) تحف العقول، ص 34.

7) حجرات (49) آيه 13.

8) آل عمران (3) آيه 159.

9) مكارم الاخلاق طبرسى، ص 14.

10) نساء (4) آيه 59.

11) انفال (8) آيه 46.

12) تحف العقول، ص 368.

13) سيرى در سيره نبوى، ص 279.

14) حجرات (49) آيه 10.

15) سيدجعفر مرتضى، الصحيح من سيرة الرسول الاعظم، ج 2، ص 229.

16) مصطفى دلشاد، سيره نبوى، دفتر دوم، ص 459؛ به نقل از: سيره ابن هشام، ج 2، ص 119.

17) وسائل الشيعه، ج 8، ص 550.

18) ر.ك: جعفر سبحانى، فروغ ابديت، حوادث سال اول هجرى.

19) كليات اقبال لاهورى، ص 193.